

نوروز و سال نو

در متون کهن ادب پارسی

(برگرفته و بازنویسی شده از پژوهش‌های بزرگان معاصر ادب پارسی)

علیرضا قنادی

داروساز و PhD فارماکونوزی و داروهای گیاهی

ونکوور کانادا



بی‌تردید شروع سال نوی ایرانی، نوروز و همزمانی آن با آغاز بهار که فصل رویش طبیعت است، مشهورترین و پراهمیت‌ترین جشن ملی-میهنی ایرانیان و فارسی‌زبانان دنیا در اقصی نقاط دنیا است. از تأثیرگذاری شگرف این جشن پرشکوه همین‌بس که بسیاری از کشورهای دنیا نظیر کانادا که سابقه‌ی حضور هموطنان ایرانی را در خود دارند و یا برخی از شرکت‌های عظیم جهان مانند گوگل که مناسبت‌های جهانی را حتی در لوگوی اصلی روزانه‌ی خود بکار می‌برند، نوروز را در تقویم اصلی‌شان گنجانده‌اند.

نکته‌ای که بارزترین تفاوت این جشن بی‌نظیر در داخل و یا خارج ایران بشمار می‌رود، عدم تخصیص دادن و انحصاری کردن نوروز در بین اقوام و نژادهای پُر تعداد ایرانی است و می‌توان به جرأت بیان نمود که در حال حاضر تمامی گروه‌های ملی، مذهبی و قومی کشور عزیزمان ایران، با تمامی وجود و با آداب کامل، این مراسم سنتی زیبا که ریشه در عمق وجود یکایک ایرانیان دارد را به صورت ویژه جشن می‌گیرند. تاریخ غنی ایران و مدارک برجامانده از آن گویای این واقعیت است که نوروز در دوران باستان هم به‌غایت محترم شمرده شده و با عظمت فراوانی برگزار می‌شده است.

جشن نوروزی شاه طهماسب
به افتخار همایون شاه هند



ادبیات فارسی که در برخی منابع جهانی، از ارکان اصلی ادبیات بشر در طول تاریخ محسوب می‌شود، به نوروز و جلوه‌های آن اعم از جشن گرفتن، حضور اقوام مختلف در آن، رویش طبیعت و نونوار شدن دنیا، نگاه ویژه و جهان شمولی داشته است. بزرگ‌ترین سراینده‌ی پارسی‌گو یعنی حکیم سخن، فردوسی بزرگ در یکی از اشعارش این چنین نوروز را در شاهنامه‌ی خود معرفی می‌کند:

نگه دارد آیین جشن سده / همان فرّ نوروز و آتشکده
مهان را به مه دارد و که به که / بؤد دین، فروزنده و روزبه

و یا در جای دیگر عنوان نموده مردم در گذشته همانند قسم به
یزدان پاک، به نوروز قسم یاد می‌نموده‌اند.
به یزدان و نام تو ای شهریار / به نوروز و مهر و به خرم بهار

حکیم طوس در جای دیگری از شاهکار ادبی
خویش عنوان می‌نماید که بهرام چوبین در
مواجهه با یکی از دشمنان این مرز و بوم پُرگهر،
نهییب می‌زند که اگر این دشمن پیروز شود،
ایران را به آتش خواهد کشید و نه از جشن
سده، نام و نشانی باقی خواهد ماند و نه از
نوروز باستانی. فرهنگ غنی ایرانی به‌همراه
قدرت بی‌تردید زبان مادری‌مان و آداب و رسوم
به یادگارمانده از اسلاف‌مان سبب گردید که
حتی در ایامی هم که ایران در طول تاریخ،
مورد هجوم بیگانگان قرار گرفت، به مانند
سپری ستبر قد علم کند و میراث به‌جا مانده
از گذشته‌ای پرافتخار را در خود، مانند نگینی
ارزشمند حفظ نموده و به نسل بعدی انتقال
دهد. نوروز به مثابه‌ی نگین انگشتر وزینی
است که همچنان به حیات ابدی خود ادامه
خواهد داد.

همانند فردوسی، سایر حکما و یا شعرای
این بوم بزرگان نیز نوروز و جشن اعتدال ربیع
و شادی این ایام خاص سال را تجلیل کرده‌اند.
در برخی منابع ذکر شده‌است که جمشید
فرزند تهمورث به‌عنوان نخستین کسی که
حکمت اشراقی را فرا گرفت و توانست نظام
معرفتی ایران را بنا نهد، در نوروز به مردم فرمان می‌داده
است تا به تفریح بپردازند. برخی محققین یکی از مواردی که
علت‌العلل شادی و سرور ایرانیان در این ایام خجسته است را
همین امر می‌دانند.



نبرد بهرام چوبین با ساوه‌شاه



به‌عنوان نمونه، داستان انتساب نوروز به جمشید در شاهنامه چنین آمده است:

به فرّ کیانی یکی تخت ساخت / چه مایه پدو گوهر اندر شناخت
که چون خواستی دیو برداشتی / ز هامون به گردون برافراشتی
چو خورشید تابان میان هوا / نشسته بر او شاه فرمانروا
جهان انجمن شد بر تخت او / شگفتی فرومانده از بخت او
به جمشید بر گوهر افشاندند / مر آن روز را روز نو خواندند
سر سال نو هرمز فرودین / برآسود از رنج روی زمین
بزرگان به شادی بیاراستند / می و جام و رامشگران خواستند
چنین جشن فرّخ از آن روزگار / به ما ماند از آن خسروان یادگار

نوروز و سال نو همواره و به‌طرز شگفت‌آوری با شادی و سرور و رقص و موسیقی و شربت و شیرینی و جامه‌ی نو و دید و بازدید و هدایای نوروزی عجین بوده است. همانگونه که ذکر شد، در شعر شعرای فارسی زبان، این فرهنگ ایرانی و مطالبی این‌گونه کاملاً و به‌وضوح دیده می‌شود. برای نمونه به اشعار زیر از نظامی، خاقانی، انوری، سنایی و عطار می‌توان اشاره داشت:

بهاری داری از وی، برخور امروز / که هر فصلی نخواهد بود نوروز
(نظامی گنجوی)

چون صبحدم عید کند نافه‌گشایی / بگشای سر خم که کند صبح نمایی
(خاقانی شروانی)

روز عید است و تهنیت شرط است / عید را تهنیت کنند بگاه
(انوری ابیوردی)

صاحباً جنبشت همایون باد / عید و نوروز بر تو میمون باد
(انوری ابیوردی)

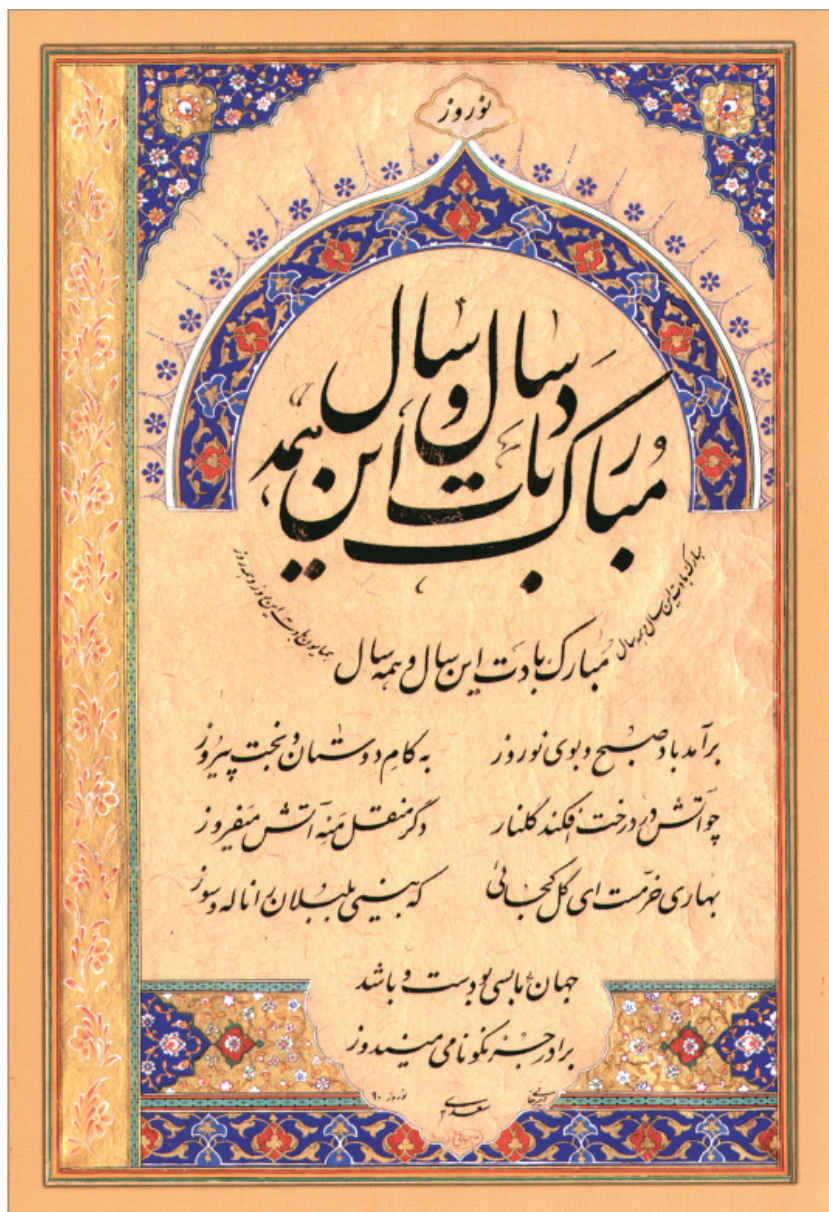
ای روز جهان مبارک از دولت تو / روز تو و سال نو مبارک باد
(انوری ابیوردی)

فرّخ و فرخنده بادت نوبهار و روز عید / ای بقای تو بهار و قدر عید مرد و زن
(سنایی غزنوی)

نقد کن عیدی برای چون منی / کفشی و دستاری و پیراهنی
(عطار نیشابوری)

به نوروز، پنشست و می نوش کرد / سرود سُرایندگان گوش کرد
نبودی ز شه دور تا وقت خواب / مغنی و ساقی و رود و شراب
(نظامی گنجوی)





به مناسبت جشن جهانی نوروز
همایش سرآمدان فرهنگ و هنر
شعر: سعدی
اثر: غلامحسین امیرخانی
نوع خط: نستعلیق

شعراى بزرگى مانند مولوى و سعدى و حافظ كه بسيارى از
جهانيان، ادب فارسى را با نام آنها مى‌شناسند نيز اشعار نغز
و زيبايى در وصف بهار و نوروز و عيد داشته‌اند. ذكر تمامى
اين اشعار در قالب اين مقاله‌ى موجز نمى‌گنجد ولى به‌عنوان
حسن ختامى بر اين كلام و با گراميداشت مجدد نوروز و سال
نو، سه بيت از اين سه شاعر فرهيخته در ذيل آورده مى‌شود:
ربيع آمد، ربيع آمد ربيع بس بديع آمد / شقايق‌ها و ريحان‌ها و لاله خوش عذار آمد
(حضرت مولانا)

برآمد باد صبح و بوى نوروز / به كام دوستان و بخت پيروز
مبارك بادت اين سال و همه سال / همايون بادت اين روز و همه روز
(سعدى شيرازى)

ز كوى يار مى‌آيد نسيم باد نوروزى / از اين باد ار مدد خواهى چراغ دل برافروزي
(حافظ شيرازى)